

# مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **رهیافت**

سال سیزدهم، شماره ۴۷، تابستان ۱۳۹۸

صفحه ۱۷۱ تا ۱۸۹

## جهانی شدن ارتباطات و تأثیر آن بر تقویت هویت قوم لر و هویت ایرانی-اسلامی

**هوشنگ کیانی ده کیان** / گروه علوم سیاسی، پردیس علوم تحقیقات خوزستان، دانشگاه آزاد

اسلامی، اهواز، ایران، گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران، دانشجوی دکترا،

kiani\_houshang@gmail.com

**حامد عامری گلستانی** / گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران، مسئول

مکاتبات) hamed.ameri@gmail.com

**فریدون اکبرزاده** / گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

drferedoun.akbarzadeh@yahoo.com

**بهرام یوسفی** / گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران brmyousefi@gmail.com

### چکیده

جهانی شدن و گسترش ارتباطات یکی از پدیده‌های تأثیرگذار در فرایند سیاست، اقتصاد و فرهنگ جوامع مختلف است که می‌تواند ابعاد مثبت و منفی متعددی نیز داشته باشد. پژوهش حاضر درصدد است تا نقش گسترش ارتباطات را بر تقویت هویت قوم لر و هویت پذیرفته شده در ج.ا.ایران مورد بررسی قرار دهد. در همین راستا، سؤال اصلی این است: جهانی شدن ارتباطات چه فرصت‌هایی را در اختیار قوم لر قرار می‌دهند که در چارچوب آن بتوانند هویت قومی خود را در چارچوب هویت ایرانی-اسلامی بازباید؟ فرضیه مقاله این است: گسترش ارتباطات و جهانی شدن، می‌تواند به عنوان فرصتی برای برانگیخته شدن هویت قوم لر و تحکیم هویت ملی محسوب شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که گروه‌های قومی می‌توانند با بهره‌گیری از نمادها، اسطوره‌های قومی، خصائص و خاطرات قومی باعث تقویت و تحکیم هویت قومی و تقویت هویت ملی شوند. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است و جمع-آوری اطلاعات به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای است.

**کلیدواژه:** هویت قومی، هویت ملی، قوم لر، جهانی شدن، ارتباطات.

تاریخ تأیید ۱۳۹۷/۱۰/۰۱

تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۸/۰۷

این مقاله برگرفته از رساله دکتری آقای کیانی می‌باشد.

## ۱- مقدمه

جهانی شدن ارتباطات به عنوان فرایندی پویا و چندجانبه نقش مؤثری در شکل گیری، تداوم، واگرایی و همگرایی هویت‌ها در دوره معاصر دارد. به طوری که می توان گفت بخش مهمی از هویت‌های جدید قومی، ملی و مذهبی و حتی شکل گیری جنبش‌های اجتماعی جدید، وابستگی عمیقی به گسترش ارتباطات و فرصت‌های فراهم شده توسط آن دارند. در این میان، جامعه ایرانی نیز به دلیل برخورداری از هویت‌های قومی گوناگون و همچنین تأثیرپذیری از فرایند جهانی شدن، هویت‌های جدیدی را در سرزمین خود تجربه می کند. از این رو، هویت‌های جدید هم می توانند موجب خطرات و تهدیدات تلقی شوند و هم می توانند فرصت‌هایی برای همگرایی اقوام و هویت ملی و تحکیم و تداوم آن به شمار آیند. قوم لر به عنوان یکی از اقوام شناخته شده در ایران و در دوره جمهوری اسلامی، چالش‌ها و فرصت‌های متعددی را پیش روی خود می بیند که بیش از همه توسط نظام جهانی شدن و عنصر ارتباطات پدید آمده‌اند.

به طور کلی، جامعه ایران از دیرباز محل برخورد اقوام، زبان‌ها، گویش‌ها و هویت‌های قومی گوناگون بوده است. قرار گرفتن در محل برخورد تمدن‌های اروپایی و آسیایی، مذاهب گوناگون، وجود قومیت‌های اصیل و مهاجر تنوع خاصی به جامعه ایرانی بخشیده است. این موضوع هرچند در دوره‌های مختلف تاریخی وجود داشته است، اما به نظر می‌رسد ظهور ارتباطات و گسترش جهانی شدن شکل تازه‌ای بدان بخشیده است. ضمن اینکه وقوع انقلاب اسلامی و توجه بیشتر به تهدیدات ناشی از تأثیرگذاری پدیده جهانی شدن که غالباً با فرهنگ لیبرالی غرب یکسان گرفته می‌شود، باعث شده تا هویت‌های قومی با حساسیت بیشتری مورد توجه قرار گیرند. ضمن اینکه، ارتباطات گسترده در جامعه ما نیز باعث شده تا هویت‌های قومی، قبیله‌ای، جنسی و مذهبی دوباره خود را باز یابند و به عنوان جلوه‌هایی از «خاص گرایی» مطرح شوند. به عبارت ساده، می توان هویت قومی در جامعه کنونی ما را نیز در زمره نوعی خاص گرایی سیاسی و فرهنگی تلقی کرد. به نظر می‌رسد قوم لر نیز به عنوان یکی از هویت‌های قومی در جمهوری اسلامی ایران نیز از قاعده مستثنا نباشد.

از این جهت، خاص گرایی در جمهوری اسلامی ایران و در میان قوم لر، گونه جدیدی از هویت یابی است که در حوزه‌های مختلف دینی، زبانی، قومی و قبیله‌ای می تواند گسترش یابد. آنچه از نظر پژوهش حاضر ضرورت دارد، بررسی تأثیر جهانی شدن ارتباطات بر هویت قوم لر و نقش آن در هویت ملی در دوره جمهوری اسلامی ایران است. به این دلیل که

هویت‌های قومی می‌توانند موجد خطرات و تهدیداتی باشند که شناخت نسبت به آنان، می‌تواند باعث تقویت هویت ملی و اسلامی شود. از این جهت، رویکرد پژوهش حاضر بیش از هر چیز، توجه به چالش‌ها و فرصت‌های جهانی شدن ارتباطات و اطلاعات و تأثیرات آن بر هویت قوم‌گر در دوره جمهوری اسلامی ایران است. اهمیت موضوع نیز به دلیل شکل‌گیری هویت‌های قومی بر اثر گسترش رسانه‌ها اعم از شبکه‌های اجتماعی، کانال‌های تلویزیونی، اینترنت و ... است که عدم توجه به آنان ممکن است باعث واگرایی اقوام و در نتیجه هویت ملی گردد. به همین منظور، تلاش پژوهش حاضر بر این است تا با شناسایی عناصر و مؤلفه‌های هویتی قوم‌گر، تأثیرات جهانی شدن ارتباطات را بر تقویت و تحکیم هویت قوم‌گر و هویت ملی ایران مورد بررسی قرار دهد. ساختار پژوهش حاضر بدین ترتیب است که به ترتیب به پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، روش تحقیق، چارچوب نظری، شناخت مؤلفه‌های هویتی قوم‌گر و سرانجام نقش ارتباطات و جهانی شدن در زمینه تقویت هویت قوم‌گر پرداخته می‌شود.

#### ۱-۱- پیشینه تحقیق

در زمینه نقش و تأثیرگذاری جهانی شدن و ارتباطات بر هویت‌های قومی و ملی، پژوهش‌هایی نیز صورت گرفته است که به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود. صدر (۱۳۷۷) در اثری با عنوان «کثرت قومی و هویت ملی ایرانیان»، با برجسته نمودن وجوه سلبی و ایجابی هویت ملی بر این باور است که جنبه سلبی، یعنی مقولاتی که هویت ملی به آنها وابسته نیست و با تغییر و یا حذف آنها هویت ملی پا برجا می‌ماند. همچنین وجوه ایجابی یعنی با تغییر و حذف آنها، هویت ملی یا از بین می‌رود و یا تغییر ماهیت می‌دهد. رازقی و پاکمنش (۱۳۹۱) در مقاله «تأثیر اینترنت بر هویت ملی»، بدین نتیجه رسیدند که هویت ملی، برای اعضای جوامع به ویژه دانشجویان که بیشتر به اینترنت دسترسی دارند، مسئله‌ساز و منجر به دور شدن از معیارهای هویت ملی و پذیرفتن فرهنگ غرب شده است. لطف آبادی (۱۳۸۵) در مقاله «آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش آموزان» بدین نتیجه رسیده است که آموزش و پرورش ایران اگر بخواهد هویت ملی و نظام ارزشی و مهارت‌های شهروندی کودکان و نوجوانان را تحکیم و اعتلا بخشد، باید آنان را برای زندگی در عصر جهانی شدن در قرن حاضر آماده کند و از ظرفیت‌های جهانی شدن در زمینه تحکیم هویت ملی بهره‌برد. هرمیداس باوند و دیگران (۱۳۷۹) در پژوهشی با عنوان «تحول تاریخی هویت ملی در ایران از اسلام تا امروز»،

ظرفیت‌های بالقوه‌ای را در هویت ایرانی می‌بینند که شامل زبان، مذهب، اسطوره‌های بومی و قومی است و از این رو ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای سازگاری با هویت جهانی دارد. فکوهی (۱۳۸۶) در مقاله «نقش زبان و هویت‌های قومی و محلی در توسعه نظام آموزشی عالی» بدین نتیجه رسیده که نقش زبان و هویت‌های قومی و محلی در توسعه نظام آموزشی عالی حائز اهمیت است که دانشگاه‌ها در سال‌های اخیر نیز نقش مهمی در این زمینه ایفا نموده‌اند.

پژوهش‌های ذکر شده هرچند بخشی از مسائل، چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی هویت‌های قومی و ملی را مورد بررسی قرار داده‌اند، اما کمتر به نقش یک هویت خاص از جمله هویت قوم لر در بستر جهانی شدن توجه نشان داده‌اند. ضمن اینکه بررسی نقش جهانی شدن و هویت می‌تواند وجه مشترک پژوهش حاضر با پژوهش‌های ذکر شده باشد، اما آنچه باعث تمایز پژوهش حاضر از سایر پژوهش‌های انجام شده در این زمینه می‌شود، توجه به تأثیر گسترش ارتباطات و جهانی شدن بر تقویت هویت قوم لر در چارچوب هویت ملی ایرانی است که در هیچ پژوهشی مورد بررسی قرار نگرفته است و از این جهت نو می‌نماید.

## ۱-۲- چارچوب نظری پژوهش؛ جهانی شدن ارتباطات

جهانی شدن دارای ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و هویتی است. امروزه با گسترش جهانی شدن در حوزه‌های مختلف اطلاعاتی و انقلاب ارتباطات، «کاهش فاصله‌ها» و تغییر مرزهای تمایز در همه عرصه‌ها برجسته می‌شود. انقلاب ارتباطات به هر معنایی که باشد تغییردهنده فاصله‌هاست (خانیک، ۱۳۹۲: ۱۹). در این میان، ارتباطات میان گروه‌های هویتی اعم از قومیت‌ها، گروه‌های مذهبی، ملی و فعالان فراملی افزایش پیدا کرده است که به نوبه خود چالش‌ها و فرصت‌های نوینی را نیز خلق کرده‌اند. بدین ترتیب، رسانه‌ها با شکستن مرزها و فاصله میان مردم و کشورها، در حال خلق یک خانواده جهانی‌اند که در آن اختلاف نظرها جای خود را به چیزی می‌دهد که همه به طور مشترک دارند و از آن استفاده می‌کنند. مارشال مک‌لوهان برای توصیف چنین پدیده‌ای عبارت «دهکده جهانی» را باب کرد (ویلیامز، ۱۳۸۶: ۲۳۴-۲۳۳). به نظر می‌رسد پذیرفته‌ترین راه حل برای درک جهانی شدن، در نظر گرفتن دوبعد پیوسته آن است؛ یعنی حوزه یا گستردگی و شدت یا عمق. به بیان دیگر، مفهوم جهانی شدن، فرایند جهانی یا مجموعه فرایندهایی را نشان می‌دهد که تعدد پیوندها و روابط متقابل بین دولت و جوامع و نظام جهانی مدرن را می‌سازند (Mc: 76-68; Grew, 1996). به تعبیری شاید برخی عوامل در تضعیف هویت ملی و فرهنگ ملی بواسطه

جهانی شدن نقش داشته‌اند و یا از طرف دیگر، فرایند جهانی شدن در بُعد ارتباطات بتواند باعث همگرایی اقوام و گروه‌های فروملی در یک سرزمین شود.

از حیث تاثیر گذاری وضعیت جهانی شدن بر هویت کشورهای پیرامونی می‌توان گفت که گسترش روزافزون ارتباطات، شهروندان جوامع معاصر (به ویژه جوامع پیرامونی) را به شدت در معرض سمبولیسم شناختی و سمبولیسم اظهاری بیگانه قرار داده است و آنان را به شدت بمباران نمادی می‌سازد و موجبات وحدت نمادی جوامع جهانی و فاصله از نمادهای ملی را فراهم ساخته است. این امر زمانی تشدید می‌شود که منابع بازتولید نمادین (توانایی - های نمادین) کارآمدی خود را از دست داده باشد (چلبی، ۳۸۷: ۱۳۹). همچنین بواسطه فشردگی زمان و فضا که زندگی تمامی انسان‌ها را در سراسر جهان بطور مستقیم و یا غیر مستقیم، محسوس یا نامحسوس از خود متاثر می‌کند؛ هر حادثه و رخدادی در سطح جهان جدای از پیامدهای آن، بطور مستقل و مجزا قابل بررسی نیست. و می‌تواند آثار جهانی مثبت و منفی برای جوامع در پی داشته باشد (صیادی، ۱۳۸۴: ۳۸-۳۹). به طور مثال، گسترش سرکوب‌ها بر علیه قوم کرد در ترکیه می‌تواند باعث واکنش گروه‌های کرد در عراق، سوریه و حتی ایران گردد. این مسأله بیش از هر چیز ناشی از تأثیرات رسانه‌ها بر برانگیخته شدن هویت‌های قومی در سراسر جهان شده است. بنابراین درباره اثر گذاری ارتباطات و جهانی - شدن بر گروه‌های قومی می‌توان گفت، چنین پدیده‌ای باعث تقویت خاص گرایی در میان قومیت‌های مختلف در سراسر جهان شده است.

از طرف دیگر، هرگاه جنبش‌های حاشیه‌ای خود را در معرض تهدید شدید نیروهای جهانگیر فرامدرن ببینند، برای دفاع به قلمرو امن خود عقب‌نشینی می‌کنند و در این لحظه است که قومیت‌های محلی به اندازه قومیت‌های ملی خطرناک می‌شوند. ما شاهد این رخداد بوده‌ایم که امتناع از جهان مدرن با بازگشت به خود و تلاش برای بازشناسی هویت به صورتی بنیادگرایانه نمود پیدا کرده است (هال، ۱۳۸۳: ۲۵۸). بنابراین جهانی شدن و گسترش ارتباطات به نوبه خود می‌تواند هویت‌های نوینی را پدید آورد و یا با کمک کردن به فرایند بازتولید هویت‌ها باعث خلق گروه‌های جدید گردد که پیش‌تر نقشی در تحولات معاصر نداشتند و یا هم گروه‌های خود را نیز پیدا نمی‌کردند. همچنین، جهانی شدن ارتباطات در حوزه‌های فرهنگی باعث خلق هویت‌های نوینی شده است و حتی با برانگیختن هویت‌های سنتی و فراموش شده، محملی برای بازیابی گروه‌های مختلف قومی نیز شده است. به همین دلیل، شمار خاص گرایی فرهنگی نیز رو به افزایش است و هر ساله گروه‌ها و جوامع بیشتری

در نقاط مختلف جهان چنین اندرکنش‌ها و رفتارهای فرهنگی را تجربه می‌کنند. از دیدگاه بسیاری از نظریه‌پردازان و فرهنگ‌پژوهان، همین افزایش گوناگونی و شمار خاص‌گرایی فرهنگی را باید یکی از ویژگی‌های برجسته جهان معاصر به شمار آورد (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۱۵۶-۱۵۷).

در نهایت اینکه براساس چارچوب نظری پیش‌رو، گسترش ارتباطات و جهانی شدن در بُعد ارتباطی به نوبه خود تأثیر قابل توجهی بر گروه‌ها و هویت‌های قومی می‌گذارد. همین مسأله می‌تواند باعث خلق موقعیت‌ها و شرایط نوینی برای آنان گردد که از جمله برای هویت‌های قومی در ایران نیز می‌تواند قابل تأمل باشد. همچنان که هویت ملی در جامعه ایرانی مدت‌های مدیدی است در قالب فرهنگ ایرانی-اسلامی شکل گرفته و تعامل و تقابل آن با فرهنگ‌ها و عناصر قومی داخلی، بخش زیادی از تاریخ ما را در بر گرفته است. بنابراین حدود و تغور هویت اقوام ایرانی با هویت ملی ارتباط تنگاتنگی دارد. به طور خاص، پژوهش حاضر به بررسی نقش هویت قومی لر در ساختار هویتی جمهوری اسلامی ایران و هویت ایرانی-اسلامی می‌پردازد.

### ۳-۱- روش پژوهش

با توجه به رویکرد پژوهش حاضر که به بررسی تأثیر گسترش ارتباطات و جهانی شدن بر هویت قوم لر و هویت ایرانی-اسلامی می‌پردازد، روش توصیفی-تحلیلی به عنوان روش مناسب در نظر گرفته شد. این روش که به طور مشخص در زمره روش‌های کیفی جای می‌گیرد، تلاش می‌کند تا با جمع‌آوری اطلاعات از اسناد، منابع کتابخانه‌ای، مقالات و پژوهش‌های انجام شده در این زمینه به بررسی پیامدها و آثار جهانی شدن ارتباطات بر هویت قوم لر در جمهوری اسلامی ایران بپردازد.

### ۲- جهانی شدن؛ فرصت‌ها و چالش‌های آن برای هویت قوم لر

هویت قومی گونه‌ای از هویت است که به لحاظ تاریخی سابقه دیرینه‌تری نسبت به هویت ملی دارد. از آن جهت که هویت ملی پدیده‌ای مدرن و حداقل به دوران تشکیل دولت‌های ملی در غرب باز می‌گردد. زیرا تا قبل از ظهور دولت‌های مدرن و ملی، تعلقات سرزمینی در ابعاد کشوری معنای چندانی نداشت. می‌توان تعلقات خاص به یک هویت جمعی مشترک را هویت قومی نامید که البته وجوه فرهنگی بارزی نیز در آن دیده می‌شود. چنان‌چه گفته می‌شود اعضای یک قوم از تعلقشان به گروهی خاص آگاهی دارند. آنها خودشان را دارای وجوه اشتراکی بسیاری می‌بینند و توسط دیگران نیز چنین در نظر گرفته می‌شوند (1: 1989).

(Lawless, Ringer). بنابراین گروه‌های قومی نیز سعی می‌کنند با تکیه بر مفاهیم روان-شناسانه، تاریخی و اجتماعی، هویتی برای خود دست و پا کنند و مرزهای خود را با هویت‌های (غیر) روشن نمایند. همین مسأله نیز می‌تواند درباره هویت قوم لر نیز مصداق پیدا کند. قوم لر به عنوان یکی از اقوام شناخته شده ایرانی، دارای مشترکات و تاریخچه بسیار طولانی در تاریخ سرزمین ایران است که در دوره‌های مختلف تاریخی فراز و نشیب‌های مختلفی را نیز تجربه کرده است. به همین دلیل، بررسی تاریخچه، مؤلفه‌ها و عناصر مختلف این قوم بسیار حائز اهمیت است.

## ۲-۱- قوم لر؛ تاریخچه و عناصر هویتی آن

قوم لر همانند سایر اقوام از ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی برخوردار است که مرزهای آن را با سایر اقوام متمایز می‌سازد. بر این اساس، خصوصیات اجتماعی، تاریخی، فرهنگی و عوامل ذهنی عناصر هویت گفتمانی قوم لر را تشکیل می‌دهند. یکی از اصیل‌ترین قبایل و طوایف ایرانی هستند که گویش لری دارند و به لحاظ اقلیمی به سه دسته لرهای کوچک، ممسنی و بزرگ تقسیم‌بندی می‌شوند. لرها عموماً در نواحی غرب و جنوب غربی ایران سکنی گزیده‌اند و متمایز از بختیاری‌ها هستند. طبق لوح‌ها و کتیبه‌های تاریخی بدست آمده فعالیت‌های صنعتی قوم لر به بیش از ۴۰۰۰ هزار سال پیش از میلاد مسیح بر می‌گردد و این شامل مفرغ کاری و فلزکاری بوده است. پس از حمله اعراب به ایران لرها همچنان آداب و سنت خود را حفظ کردند و در دوره صفویه کشور دارای دو ایالت متعلق به لرها یعنی لرستان و کهگیلویه و بویراحمد بود. با گذر زمان و سیر تحولات تاریخی و علی‌الخصوص در سال‌های اخیر تا حدودی این قوم دچار یک سری بحران‌های هویتی شده است و از اصلی‌ترین دلایل آن می‌توان به موارد تأثیر زبان و فرهنگ اقوام گوناگون بر قوم لر اشاره کرد. نواحی شمالی بخش‌های لر نشین از کردها (کرمانشاه) تأثیر پذیرفته حال آنکه بخش‌های دیگر تحت تأثیر فرهنگ فارس می‌باشند (رضایی و ظهیری نژاد، ۱۳۷۹: ۴۲).

قوم لر به طور خاص در نواحی زاگرس نشین سکنی گزیده‌اند که البته به صورت پراکنده در شهرها و کلانشهرهای ایران گسترده شده‌اند. آمار دقیقی از جمعیت قوم لر در دست نیست، اما در یک نگاه کلی محدوده جغرافیایی لرها شامل قسمت وسیعی از جنوب غربی و جنوب ایران است که از نواحی بندر بوشهر و نیز "کوهمره سرخی" در جنوب غربی شیراز شروع و تا نواحی مرز ایران و عراق ادامه می‌یابد. این منطقه همچنین از بندر گناوه در مسیر یاسوج-لردگان-الیگودرز-ملایر-تویسرکان- تا جنوب همدان گسترده شده است. بر این

اساس مناطق لرنشین عبارتند از: استان بوشهر، استان فارس، استان فارس، خوزستان، کهگلویه و بویر احمد، استان چهارمحال و بختیاری، استان اصفهان، استان لرستان و ایلام (امان‌الهی بهاروند، ۱۳۷۹: ۲۲۳). به علاوه، قوم لر به دلیل آنکه اشتراک زبانی قابل توجهی با فرهنگ و هویت ملی دارد، همواره در زمره گروه‌های قومی به شمار می‌رود که با حکومت‌ها و دولت‌های مرکزی شیوه زیست تعامل گونه‌ای را در پیش می‌گیرد. هرچند در برخی ادوار تاریخی نشانه‌های از شورش‌های قومی در نواحی لرنشین صورت گرفته است، اما با این حال، سبک کلی رفتارهای سیاسی و اجتماعی قومیت لر بر مبنای تعامل با دولت‌های مرکزی پیش می‌رود.

بررسی‌های باستان‌شناسی حاکی از آن است که اجداد لرها یعنی ساکنان زاگرس میانی در طول چهل هزار سال پیش، به تدریج از مرحله دیرینه سنگی که انسان‌ها از طریق شکار و گردآوری غذا امرار معاش می‌کردند، گذشته‌اند و حدود ده هزار سال پیش وارد مرحله نوسنگی شده‌اند. ساکنان زاگرس میانی و یا به عبارتی، اجداد لرها که به علت نداشتن خط هویتشان ناشناخته مانده است، از معدود اقوام و از پیشگامان جوامع بشری بودند که به این مرحله از پیشرفت رسیده‌اند (امان‌الهی بهاروند، ۱۳۷۹: ۲۲۷). با این حال همچنان در این باره که لری یک زبان است یا گویش اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد. وجود تفاوت‌های گسترده میان قومیت لر (لر کوچک، لر بزرگ) باعث شده تا مسأله اصالت قومیتی و زبان و یا گویش بودن لرها محل اختلاف باشد. پیشتر، امان‌اللهی بهاروند زبان لرها را به دو گروه لکی و لری، و دومی (لری) را به دو بخش خاوری (لر بزرگ) و باختری (لر کوچک) تقسیم کرده بود (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۵). کسانی دیگری نیز پیش و پس از امان‌اللهی چنین تقسیماتی داشتند اما آنها هیچ کدام به شفافیت اعلام نکرده بودند که لری یک زبان نیست، بلکه باید "زبان‌های لری" صحبت کرد. امروزه برخی منابع جدیدتر نیز دست از این تلقی که لری "یک زبان واحد" است برداشته‌اند (بنگرید به: حسونند و طهماسبی ۱۳۹۰: ۳۸ و افزای زاده ۱۳۹۱: ۹-۱۰).

با این حال، وجه مشترک لرهای لرستان، ممسنی، کهگلویه و بختیاری زبان آن‌ها است. یا به عبارتی، ویژگی خاص گویش لری بیانگر آن است که این منطقه تحت تأثیر ایرانیان پارسی [زبان] قرار داشته نه تحت تأثیر مادها. زبان‌شناسان، لرها را در منطق [تحت نفوذ زبان فارسی قرار داده‌اند. ۱. ممسنی‌ها: گروه ممسنی شامل چهار طایفه به نام‌های بکش، جاوید، دشمن زیاری و رستم است. ۲. لرهای کهگلویه: این لرها از سه طایفه بزرگ آقاجری

(آعاجری)، باوی و جاکی تشکیل شده‌اند. آعاجری (نام یک طایفه قدیمی ترک از آعاجری است) که شامل نه قبیله بوده است که چهار قبیله آن یعنی افشار، بیگدلی، چغتایی (جغتایی) و قره بگلو ترک هستند. امکان دارد اینها از نسل شاهسون‌ها باشند که در عصر صفویه زیر نظر حکومت کهگلویه تشکیل شده باشند. پنجمین قبیله «تیلکوهی» است که نام خود را از ناحیه‌ای در کردستان گرفته است. «باوی» دومین طایفه از طوایف کهگلویه است. سومین طایفه «جاکی» است، این طایفه صرفاً لر است که به دو قسمت چهاربنجه و لیراوی تقسیم می‌شود. ۳. طوایف بختیاری: بختیاری‌ها اصولاً به دو قسمت چهارلنگ و هفت لنگ تقسیم می‌شوند. هفت لنگ‌ها نیرومندترند و چهارلنگ‌ها در حال حاضر میان بروجرد و گلپایگان مستقر هستند. ۴. طوایف لرستان: طوایف عمده لرستان عبارتند از طوایف: بالاگریوه، طرهان، دلفان و سلسله. طوایف بالاگریوه شامل لرهای اصیل اند که دارای شعبات مهمی از بهاروند، میر، جودکی، قلاوند و پاپی است (پشت دار، بی تا: ۱۶۷).

## ۲-۲- جهانی شدن و هویت قوم لر در پرتو هویت اسلامی-ایرانی

قوم لر نیز همانند سایر گروه‌ها و هویت‌های قومی دارای عناصر و مؤلفه‌هایی است که در فضای ناشی از گسترش ارتباطات و جهانی شدن می‌توانند به‌عنوان مؤلفه‌های تحکیم کننده در راستای تقویت هویت ملی در نظر گرفته شوند. با این حال، تهدیداتی نیز به لحاظ تاریخی و بلندمدت و همچنین مقطعی و کوتاه مدت دیده می‌شود که باعث طرد هویت قوم لر در فضای جهانی شده است.

### ۲-۲-۱- تهدیدات جهانی شدن و هویت قوم لر

جهانی شدن ارتباطات مخصوصاً در عرصه‌های داخلی، تهدیداتی را نیز بر علیه هویت قوم لر پدید آورده است. تهدیداتی که در ادامه می‌آیند، هرچند در طی ادوار گذشته نیز وجود داشتند، اما بواسطه جهانی شدن و گسترش ارتباطات، بیش از پیش باعث گسترش تهدیدات شده‌اند. به عنوان مثال، تسلط همه‌جانبه فرهنگ و هویت ملی و جهانی که بیش از همه به مدد تکنولوژی‌های ارتباطی میسر شده است، باعث طرد هویت قوم لر شده است که در نهایت باعث شده تا فرهنگ قومیت لر به عنوان فرهنگی حاشیه‌ای در نظر گرفته شود. این موضوع نشان می‌دهد که نادیده گرفتن تفاوت‌ها در یک جامعه وحدت‌گرا تا چه اندازه می‌تواند به حذف فرهنگ‌های قومی و خرده فرهنگ‌ها منجر شود. طبق تحلیل‌های آماری حاصل شده در دو استان لر نشین کهگیلویه و خرم آباد، چنین مشهود است که فرایند جهانی شدن و به طور کلی فن آوری به روز و گسترش وسایل ارتباط جمعی مانند اینترنت، تلفن

همراه، شبکه‌های اجتماعی و مجازی تأثیر منفی بر حفظ و نگهداری سبک و سیاق هویت قوم لر داشته است. به طوری که برای مثال در بسیاری از مدارس کنونی، دانش آموزان سعی می‌کنند که بدون استفاده از گویش لر تحصیل کنند و بعضاً برخی از آنها حتی هویت قومی‌شان را پنهان می‌کنند، چرا که ممکن است تحت تأثیر فرهنگ غالب فارس قرار گرفته باشند و تألیف کتب درسی‌ای است که فرهنگ غالب فارس مورد توجه است (امان‌الهی بهداروند، ۱۳۷۴: ۷۳).

در سطوح خردتر باز هم می‌توان استدلال کرد که هویت قوم لر توسط سایر خرده فرهنگ‌ها (بالتر از فرهنگ قوم لر و پایین‌تر از فرهنگ و هویت ملی) نیز تهدید می‌شود. این مسأله نیز بیش از پیش در اثر تأثیرات فزاینده جهانی شدن ارتباطات شدت گرفته است. بدین معنا که سبک زندگی در شهرهایی که جمعیت زیادی دارند باعث شده تا سبک زندگی آنان بر قومیت‌گرانشین در حواشی آنان دچار تغییر شود و هویت قوم لر به دست فراموشی سپرده شود. به‌عنوان مثال لرهای ساکن شهر ممسنی با کلان شهر شیراز ارتباط زیادی داشته و طبق تحقیقات پیشین چنین مشخص شده که به شدت از فرهنگ استان فارس تأثیر می‌پذیرند (خواجه نوری، ۱۳۸۵: ۱۰). این موضوع به مرور زمان باعث کاسته شدن از هویت قومی‌گراها می‌شود که در نهایت حفظ ارزش‌ها و هویت‌های سنتی آنان را با مشکل روبرو می‌سازد. از این منظر، زندگی اقوام لر شهرهای بزرگ باعث اضمحلال هویت قوم لر می‌شود که به نوبه خود زمینه‌های واگرایی از هویت ملی و رها شدن میان هویت‌های سیال را در پی خواهد داشت.

همچنین در حوزه‌های دیگر نیز می‌توان گفت یکی از دلایل فرهنگی که باعث تضعیف شدن هرچه بیشتر هویت لر می‌شود رسانه‌های جمعی و تحریرات بی‌مورد و تمسخر و به استهزاء گرفتن لرها و آداب و رسوم آنهاست که امروزه متأسفانه یکی از ابزارهای تفریحی جمعی به حساب می‌آید. یکی دیگر از این عوامل پژوهشی است یعنی پژوهش‌ها و تحقیقات اندکی در رابطه با فرهنگ و آداب و رسوم و نقش ویژه این قوم اصیل صورت پذیرفته و مراکز تحقیقاتی ویژه‌ای وجود ندارد که به زبان لری پردازد. مورد دیگر، سیاست‌های ضدیتی حاکم در دوران مختلف است که باعث شده این قوم در اقلیت قرار بگیرد و نقش آن امروزه در سیستم سیاسی و اجتماعی روز به روز کم‌رنگ‌تر بشود (صالحی‌امیری، ۱۳۸۶: ۶۲). به نظر می‌رسد با توجه به وجود تاریخی و کنونی چنین تهدیداتی برای هویت قوم لر، لازم است تا با تکیه بر عناصر سازنده و همگرایانه قوم لر و پیوند آنان با هویت اسلامی -

ایرانی زمینه‌های تعامل و همگرایی قوم لر با هویت ملی را فراهم آورد. چه اینکه نفی هویت قومی به نوبه خود تهدیدی برای هویت کلان ملی نیز محسوب می‌شود.

### ۲-۲-۲- عناصر هویتی قوم لر در بستر جهانی شدن از تباطات

به نظر می‌رسد با توجه به تهدیدات و شرایطی که مانع اثرگذاری هویت قوم لر بر هویت اسلامی-ایرانی می‌شود، نیازمند رویکرد جدیدی هستیم تا در بستر جهانی شدن به همگرایی هویت قوم و هویت ایرانی-اسلامی دست یابیم. از این جهت تکیه بر عناصر هویتی، سوابق تاریخی، ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی و نقش آفرینی قوم لر در ساختن هویت ملی بتواند تعامل میان هویت قومی لر و هویت ملی را افزایش دهد.

در وهله اول تکیه بر عناصر مشترک میان هویت قوم لر و هویت ایرانی در وضعیت گسترش ارتباطات و تعاملات رسانه‌ای امر مهم و قابل توجهی است. برخی تحقیقات نشان می‌دهند به دلیل نزدیکی و قرابت بالا میان زبان و فرهنگ مسلط ایرانی و به دلیل آنکه لرها اقوام مهاجری نبوده‌اند، اشتراکات زیادی میان دو هویت دیده می‌شود. از این جهت می‌توان گفت که هویت‌های قومی موجود در یک سرزمین هر یک به نوعی بر هویت ملی تأثیر گذارند و در این مورد برخی از اقوام نسبت به سایرین سهم بیشتری دارند. طبق فرضیه اساسی اقوامی که عناصرشان تا حد زیادی متمایز از عناصر ملی کشورشان می‌باشد، هویت تضعیف کننده‌ای در ارتباط با هویت ملی دارند. در حالی که اگر بین این دو هویت هم‌پوشی بالایی موجود باشد، هویت قومی تقویت کننده احساس ملی و هویت ملی می‌باشد و در این مورد می‌توان به قوم لر و بلوچ اشاره کرد. نتایج برخی تحقیقات در میان اقوام ایرانی حاکی از آن است که اقوام لر و بلوچ به ترتیب بیشترین میزان هم‌پوشی را با هویت ملی شان دارند در حالی که قوم عرب و سپس ترک پائین‌ترین نمره را در این بررسی‌های آماری به خود اختصاص دادند (جعفرزاده پور و حیدری، ۱۳۹۳: ۶۶). در نتیجه ارتباط میان هویت ملی ایرانی و قومی لر بر مبنای هم‌پوشی بسیاری که در مطالعات پیشین به اثبات رسیده است ارتباطی قوی است و حاکی از آن است که قوم لر با بیشینه تاریخی بسیارش با کلیت ملی ایرانی هم‌پوشی بسیاری دارد و بطور کلی تأثیرگذاری‌اش بر عناصر سازنده هویت ملی ایرانی از دیرباز مشهود است (جعفرزاده پور و حیدری، ۱۳۹۳: ۷۳). به نظر می‌رسد مؤلفه مذکور در شرایط جهانی شدن به خوبی می‌تواند باعث همبستگی میان هویت قوم لر و هویت اسلامی-ایرانی در جمهوری اسلامی ایران گردد.

یکی دیگر از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تقویت هویت قوم لر و هویت ایرانی-اسلامی، تأکید بر عناصر مداراجویانه قوم لر در طول تاریخ است. با این استدلال که لرها غالباً در نقاط حساس مرزی زندگی نمی‌کنند و این مسأله باعث شده تا آنان بیش از آنکه تحت تأثیر فرهنگ‌های همسایه قرار گیرند، بر هویت ملی ایرانی تأکید ورزند. ضمن اینکه نبود یک کشور لرنشین باعث شده تا آنان برخلاف سایر قومیت‌ها به کشور هم قوم خود (مانند آنچه برخی پان ترک و بلوچ‌ها از آذربایجان، ترکیه، پاکستان در ذهن دارند) به عنوان یک الگو نظری نداشته باشند. به علاوه مسأله مهم این است که مذهب مناطق لرنشین شیعی و با فرهنگ و هویت رسمی همخوان و سازگار است و این موضوع کمتر چالشی میان فرهنگ و هویت ملی و هویت قومی ایجاد می‌کند. به عبارتی ساده‌تر، میان مذهب قومی و ملی همگرایی بالایی دیده می‌شود. به طور کلی، از زمان باستان و از زمان ورود آریایی‌ها و ایجاد سرزمین مستقلی متشکل از اقوام و قبایل مختلفی با سنن و فرهنگ مربوط به خود -فارس، لر، کرد، ترک، عرب، بلوچ و غیره- تاکنون این اقوام به‌عنوان خرد فرهنگ‌هایی بطور مسمالت‌آمیز در کنار یکدیگر می‌زیسته‌اند. از سویی این اقوام ایرانی تا حدی به لحاظ فرهنگی با یکدیگر پیوند خورده‌اند و می‌توان گفت مذهب شیعه یا اسلام یکی از مشترکات همه این اقوامی است که خرده فرهنگ‌ها به حساب می‌آیند (برتون، ۱۳۸۰: ۲۰).

از طرفی دیگر، برخی محدودیت‌های ایجاد شده توسط هویت ملی و رسمی باعث شده تا اقوام لر از برخی خصوصیات قومی و متصلب خود دست بکشند و یا اینکه هنجارهای ملی را جایگزین هنجارهای قومی نمایند و یا در فرهنگ هویت ملی ادغام شوند. فراگیر شدن موسیقی پاپ و کلاسیک در کشور و همچنین رواج انواع و اقسام عزاداری‌های مذهبی باعث شده تا برخی سروده‌ها و ترانه‌های لری یا در فرهنگی ملی ادغام شوند و یا به طور کلی تغییر شکل و محتوا بدهند. برای نمونه در گذشته در مدارس و رسانه‌های گروهی انواع بیشتری از موسیقی محلی به نمایش گذاشته می‌شد. پس از انقلاب و شروع جنگ تحمیلی به علت مشکلات داخلی و بعضاً اختلافات عقیده در مورد پخش زنده موسیقی به طور کلی تصویر چندان از موسیقی محلی لری در دست نبوده و با بررسی مقالات بین سال‌های ۶۰ تا ۸۰ چنین مشهود است که این نوع موسیقی صرفاً گونه نادری از دستگاه‌های موسیقی ایرانی است که در بین عموم جوانان امروزه چندان طرفدار ندارد (خواججه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۲). بنابراین قوم لر همانند برخی از اقوام و طوایف در این وهله زمانی با اتکا بر پیشینه تاریخی قوی که دارند به خوبی توانستند بر تعارضات موجود میان باورها و ارزش‌هایشان و باورها و

ارزش‌های هویت ملی غلبه کنند و به مرور زمان خود را با شرایط کنونی وفق بدهند (الطائی، ۱۳۷۸: ۳۰).

یکی دیگر از راه‌های ایجاد همبستگی میان هویت قوم لر و هویت ملی، تأکید بر میراث مشترک تاریخی و فرهنگی میان دو هویت است. از این منظر، تقویت جشن‌های ملی-مذهبی متعلق به قوم لر و هویت ملی بسیار مهم و قابل توجه است. بسیاری از جشن‌هایی که در گذشته از زمان هخامنشیان تا کنون در بین اقوام اصیل لر، کرد و غیره تداوم داشته، امروزه به علت روند جهانی شدن و مدرنیته شدن جامعه برخی از این جشن‌ها که صرفاً متعلق به دسته خاصی از این اقوام بوده دیگر برگزار نمی‌شوند. از سویی بسیاری از اعیاد مذهبی با جشن‌های مربوطه در بین افراد این قوم به دست فراموشی سپرده شده‌اند. برای نمونه در سده‌های گذشته در بین قوم لر جشن مذهبی برگزار می‌شد که نماد به آتش سپردن حضرت ابراهیم بوده و در آن با روشن کردن آتش این واقعه مذهبی-تاریخی را یادآوری می‌کردند. امروزه به علت مدرنیته شدن جامعه حاکم و ایجاد شکاف زیاد بین هویت ملی و قومیتی لر برخی از این جشن‌ها دیگر برگزار نمی‌شوند و این خود نشانی بر انزوای هویتی این طوایف و اقوام می‌باشد (دالوند، ۱۳۸۱: ۱۶۶). به نظر می‌رسد با فرهنگ‌سازی و اجرای بخش مراسم‌های محلی از طریق تلویزیون، برنامه‌های فرهنگی و ... به احیای چنین برنامه‌هایی اندیشید و زمینه‌هایی برای تعامل بیشتر میان دو هویت فراهم کرد. در نهایت اینکه در جامعه ایران که یک جامعه چندقومیتی است ارتباط بین هویت ملی و قومی به دو صورت قابل تفسیر شدن است؛ نخستین مورد یک رابطه تقابلی بین این دو هویت است مبتنی بر این اصل که هویت ملی و قومی متمایز و جدا از هم شکل گرفته باشند و اجزای این دو هویت کلی و جزئی در تقابل با یکدیگر قرار بگیرند. برای مثال گویش لری وجه اشتراک اندکی با زبان رسمی کشور دارد. دومین نوع ارتباط بین هویت ملی و قومی در واقع ارتباط دوسویه و مسالمت‌آمیز میان این دو مقوله است و این دو هویت در امتداد یکدیگر رشد می‌کنند و در واقع یکی زمینه‌ساز و بستری برای دیگری است و بین برخی از اجزایشان همپوشی وجود دارد. برای مثال جشن‌های نوروز باستان در واقع از زمان باستان در بین طوایف لر مرسوم بوده و تا سطح ملی و کشوری تا کنون بسط یافته است (ابراهیمی و متین، ۱۳۸۵: ۷۸).

به علاوه، احترام به گذشته تاریخی قوم لر و پرهیز از تنش‌زایی بر علیه هویت قوم لر می‌تواند زمینه‌های همگرایی میان دو هویت قوم لر و هویت ایرانی-اسلامی را افزایش دهد. برای مثال در برخی برنامه‌های صدا و سیما در طی سال‌های اخیر برنامه و فیلم‌هایی در راستای

تخریب هویت قوم لر صورت گرفته که لزوم پیگیری و بررسی چنین مواردی می‌تواند تبعیض‌ها را علیه قوم لر کاهش دهد و زمینه‌های همگرایی را نیز افزایش دهد. این موضوع می‌تواند با تکریم گذشته قوم لر ابعاد زیبایی نیز به خود بگیرد. به عنوان مثال، دوره زندیه را می‌توان اوج قدرت قوم لر بر ایران به حساب آورد. کریم خان زند که متعلق به اقوام لر بوده تجلی قدرت لرها در دوران زندیه در ایران بوده است. در دوران زندیه شرایط و وضعیت کشور تا حدی ثبات داشته و سیاست گذاری کشور به گونه‌ای منصفانه بوده است (فکوهی، ۱۳۸۱: ۱۳۸-۱۳۹). وکیل رعایا یا همان کریم خان زند با رویکرد عدالت‌محوری توانست وضعیت کشور را از سمت بی‌ثباتی و ناآرامی به سمت اقتدار و آرامش نسبی ببرد و در زمان وی تجارت، صنعت و کشاورزی رونق یافت و زیر بنای اقتصادی کشور غنی و پر مایه شد (پری، ۱۳۸۵: ۳۰۷).

به طور کلی زمینه‌های همگرایی میان قوم لر و هویت ملی نسبت به سایر اقوام از درجه بالایی قرار دارد و کمتر می‌توان تصور کرد که گرایش‌های تجربه‌طلبانه در میان قوم لری شکل بگیرد. از این جهت با توجه به اینکه زبان لری در بین تمام گویش‌های رایج در ایران بیش از همه به زبان فارسی نزدیک است، لرها بدون هیچ مشکلی به هر دو زبان گفت‌وگو می‌کنند. از آن گذشته، لرها به زبان فارسی مکاتبه می‌کنند. وجوه مشترک بین لرها و دیگر مردم عبارتند از: دین، ملیت، تاریخ مشترک، اعیاد ملی، ادبیات و فرهنگ ملی-مذهبی و احساس همبستگی ملی (امان الهی بهاروند، ۱۳۷۹: ۲۳۸). بدین ترتیب، یکی دیگر از راهکارها برای مصون ماندن هویت قومی از تأثیرات جهانی شدن ارتباطات و حتی بهره‌گیری از این شرایط برای بهبود وضعیت قوم لر این است که به آثار فرهنگی و تاریخی قوم لر به عنوان عناصر قوام بخش هویت اسلامی-ایرانی توجه نشان داده شود. به عنوان نمونه، زیگورات چغازنبیل که در دوران ایلام میانه توسط اونتش‌نپیریش طراحی و بنیان‌گذاری شد که در نوع خود از معماری‌های بی‌بدیل ایران و شرق باستان است. این سازه در ۱۹۷۹م اولین اثر تاریخی از ایران بود که در فهرست میراث جهانی یونسکو جای گرفت. جامعه بین‌المللی برای آن ارزش استثنائی و جهانی قایل است (افشار سیستانی، ۱۳۷۳: ۳۱۱). همچنین خاورشناسان چغازنبیل را نخستین ساختمان مذهبی ایران می‌دانند (پورعبدالله، ۱۳۸۹: ۱۲). از این منظر، تکیه بر عناصر مشترک ملی و قومی به خوبی می‌تواند زمینه‌ساز تعامل میان دو هویت در عصر جهانی شدن ارتباطات تلقی گردد.

دین و مذهب مشترک میان قوم لر و جامعه ایرانی از دیرباز نقش مهمی در تداوم هویت ایرانی نیز داشته است. بنابراین تأکید بر مشترکات مذهبی در عصر جهانی شدن ارتباطات می تواند باعث نوعی استحکام میان دو طرف شود. به طوری که می توان گفت قوم لر در طول تاریخ و مخصوصاً پس از ورود اسلام به ایران غالباً دارای مذهب رسمی اسلامی بوده است. بنابراین شناخت تاریخ و مبانی هویتی؛ تفاوت های فرهنگی و یا قومیتی و پذیرش آن از جانب دولت، امری حیاتی در همبستگی ملی بوده و باید برای برقراری انسجام بین اقوام و گروه های مختلف در کشور به عناصر و عوامل پیوند دهنده توجه خاصی شود (گودرزی، ۱۳۸۵: ۲۲). ضمن اینکه تأکید بر رویه های وحدت بخش که هم در منابع دینی و هم در قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است، می تواند به عنوان الگویی برای تحکیم هویت قوم لر و هویت ایرانی-اسلامی منجر شود. به عنوان مثال، در اصل نوزدهم قانون اساسی بیان شده که مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود (منصور، ۱۳۹۱: ۱۳). ضمن اینکه، شناسایی تفاوت ها برای دست یابی وحدت نیز از طرف متون دینی مورد تأیید قرار گرفته است راه حل قرآنی اصل تعارف میان اقوام و قبایل آن است که این تفاوت را زمینه آشنایی آنان نسبت به یکدیگر قرار دهیم. به عبارت دیگر راه حل رفع این مشکل آن است که زمینه هایی برای معرفت متقابل میان آنان فراهم آید (آزاد ارمکی و ملکی، ۱۳۸۶: ۱۴-۱۵).

به طور کلی و براساس آنچه در پژوهش حاضر بیان شد می توان تأثیر متغیرهای ارتباطات، گسترش جهانی شدن و هویت قوم لر را در موارد زیر و در قالب تهدیدات و فرصت ها خلاصه کرد:

جدول ۱-۱. تأثیر متغیرهای گسترش ارتباطات و جهانی شدن بر هویت قوم لر

تهدیدات	فرصت ها و نتایج
۱. گسترش رسانه ها و فضای ارتباطی به نفع هویت ملی و بین المللی و عدم بهره مندی قوم لر از منابع رسانه ای قوی و کارآمد	۱. فراهم شدن شرایطی برای بیان مطالبات نوین قوم که بر اثر گسترش رسانه ها و شبکه های اجتماعی پدید آمده اند.
۲. گسترش بی حد و حصر هویت های جنسی، قومی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و به محاق رفتن هویت قوم لر	۲. سر بر آوردن هویت قوم لر به عنوان یکی از هویت های قومی مؤثر در تاریخ و سیاست سرزمین ایران
۳. فزونی تهدیدات و آسیب های قومی ناشی از تعمیق روابط قومی (گسترش روابط سنتی ناشی از طایفه گری و دوری جستن از معیارهای همبستگی مدرن)	۳. احیای مجدد سنت های تاریخی، توجه به کتیبه ها و میراث تاریخی قوم لر در همه زمینه ها از جمله میراث هویت های ملموس فرهنگی

تهديدات	فرصت‌ها و نتايج
۴. عدم توانایی کافی دارندگان هویت قوم لر در زمینه منابع مالی و رسانه‌ای و غلبه مدافعان هویت ملی در حوزه‌های مختلف	۴. تکیه بر میراث فرهنگی، جاذبه‌های تاریخی و باستانی به عنوان راهی برای بازنمایی اثرگذاری قوم لر در عصر جهانی شدن
۵. فزونی تهدیدات و آسیب‌های مجازی از جمله گسترش فرهنگ طنز و تمسخر بر علیه هویت قوم لر	۵. بهره‌گیری از تجارب تاریخی اقوام در عصر جهانی شدن و تلاش برای کارآیی مناسب هویت قوم لر و هویت ملی در این دوره

### نتیجه گیری

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال بنا شده بود که جهانی شدن ارتباطات چه فرصت‌هایی را در اختیار قوم لر قرار می‌دهند که در چارچوب آن بتواند هویت قومی خود را در چارچوب هویت ایرانی-اسلامی بازابد؟ بررسی‌ها نشان داده است که هویت‌های قومی در عصر جهانی شدن به شکل قابل توجهی گسترش یافته‌اند. از این جهت، جوامع چندفرهنگی مانند جامعه ایرانی نیز در معرض چنین پدیده‌ای نیز قرار دارند. به طوری که می‌توان گفت وجود اقوام و هویت‌های قومی هم می‌تواند جنبه‌های تهدیدزا و هم جنبه‌های فرصت‌آفرینی برای جامعه ایرانی در پی داشته باشد. از این منظر، قوم لر به عنوان یکی از اقوام شناخته شده ایرانی می‌تواند با توجه به فرصت‌های پیش روی ناشی از جهانی شدن ارتباطات به تقویت و استحکام هویت ایرانی-اسلامی در دوره جمهوری اسلامی ایران کمک نماید. جنبه‌های متعدد استحکام بخشی میان دو هویت می‌تواند در عرصه‌های متعددی از جمله تاریخ و هویت مشترک، مذهب مشترک، عدم گرایش اقوام لر به تجزیه طلبی نسبت به سایر اقوام، وجوه مشترک زبانی و همچنین تأکید قانون اساسی بر احترام به گرایش‌های قومی در عین توجه به هویت ملی باشد. بنابراین قوم لر به عنوان یکی از هویت‌های فروملی می‌تواند با برجسته کردن نقش آفرینی خود در طول تاریخ ایران زمین، زمینه‌های همگرایی با هویت اسلامی-ایرانی را فراهم آورد و از جهانی شدن ارتباطات به عنوان فرصتی برای بازیابی هویت خویشتن و تقویت هویت ملی بهره برد.

با توجه به مطالعه یاد شده و در راستای همگرایی میان هویت قوم لر و هویت ملی می‌توان راهکارهایی ارائه داد. که می‌تواند شامل برنامه‌های سلبی از جمله: ممانعت از هر گونه تحقیر، تمسخر، تضعیف و بی‌اعتنایی نسبت به هر یک از اقوام و اقلیت‌ها؛ خودداری از هرگونه تلاش برای تحمیل سازش قهری و برقراری سکوت تحمیلی؛ جلوگیری از کاربرد سرکوب

و ممانعت از بکارگیری خشونت در مقام حل و فصل مشکلات قومی؛ پرهیز از هر گونه نفی یا انکار واقعیت وجود اقوام و خرده فرهنگ واقعیات و یکسان‌انگاری فرهنگی؛ رفع موانع مشارکت و برطرف سازی مشکلات موجود در راه واگذاری مسئولیت‌های اداری و... به اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی و در نهایت کاهش نابرابری‌های اجتماعی از طریق توجه به مناطق قومی لرنشین و حاشیه مرزها باشد.

همچنین در حوزه برنامه‌های ایجابی می‌توان به این راهکارها اشاره کرد. توسعه موزون و همه جانبه مبتنی بر عدالت قادر است بسیاری از معضلات را رفع کند. بنابراین، می‌بایست توسعه بر مبنای الگوی بومی در همه ابعاد پیگیری شود؛ توسعه سیاسی با اهتمام به تقویت مردم‌سالاری دینی به عنوان شاخصی از توسعه توأم با دینداری و هماهنگی با سایر ابعاد و معطوف به هدف همبستگی ملی تحقق یابد؛ گذار از سازوکارهای هویت سنتی قومی به هویت ملی مدرن که از طریق توسعه میسر می‌شود، نیاز استراتژیک به جهت انتقال وفاداری از قوم به ملت و دولت است. بنابراین، فرآیند ملت‌سازی بر پایه توسعه بومی پایدار از اهمیت ویژه برخوردار است؛ تبیین، تبلیغ و تأکید بر پیشینه تاریخی و فرهنگی مشترک ایرانیان در دستور کار همه دستگاه‌های تبلیغی و رسانه‌ای قرار گیرد؛ تلاش بیش از پیش در جهت مبارزه با بی‌سوادی به منظور ارتقای دانش و سواد و رشد آموزش و پرورش انجام شود. این امر عامل تحرک اجتماعی و تسهیل روابط اجتماعی و رفع تعصبات و سبب کاهش فاصله‌های فرهنگی موجود خواهد شد؛ تقویت جایگاه روحانیت در طول تاریخ ایران به عنوان یاوران و رهبران اجتماعی مردم و تثبیت روحانیت بومی؛ پیشگیری و مبارزه جدی با از خود بیگانگی جوانان که به بحران هویت فرهنگی تعبیر می‌شود. این مهم از طریق تبیین لایه‌های چند گانه هویتی در ایران - فرهنگ اسلامی، فرهنگ ایرانی، فرهنگ قومی و فرهنگ غربی - حاصل خواهد شد.

ضمن اینکه مهم‌ترین گام برای بهره‌گیری از فرهنگ ملی به عنوان محور همبستگی ملی، ایجاد معرفت فراگیر در اقصاء مختلف ملت از طریق دستگاه‌های فرهنگی، رسانه‌ها، ناشرین، نویسندگان، هنرمندان و... است. همچنین استفاده از شخصیت‌ها و مشاهیر انقلابی، ادبی، علمی، روحانی به عنوان سمبل‌های مشترک ایرانیان که تسهیل‌کننده فرآیند حس تعلق جمعی است می‌تواند مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

## منابع و مآخذ:

- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۷۳). **خوزستان و تمدن دیرینه آن**، جلد اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۸۵). **قوم لر**، تهران: انتشارات آگاه.
- امان‌اللهی بهاروند، اسکندر (۱۳۷۹). **لرها؛ تحلیلی تاریخی-جامعه‌شناختی، فصلنامه مطالعات ملی**، سال دوم، شماره ۶، زمستان ۷۹، صص ۲۴۵-۲۲۱.
- آزاد ارمنکی، تقی، ملکی، امیر (۱۳۸۶). **رابطه ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان**، نامه علوم اجتماعی، دوره ۳۰، ۴.
- برتون، رابرت کینگ. (۱۳۸۴). **قوم شناسی سیاسی**، ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
- دالوند، حمیدرضا (۱۳۸۱). **تاریخ نگاری لرستان و مقوله هویت، فصلنامه مطالعات ملی**، سال چهارم، شماره ۱۴، زمستان ۸۱، صص ۱۷۱-۱۵۱.
- جعفرزاده پور، فرزنده، حیدری، حسین (۱۳۹۳). **فرا تحلیل رابطه هویت ملی و هویت قومی در ایران، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی**، سال سوم، شماره شانزدهم، صص ۹۶-۶۳.
- پای، لوسین (۱۳۸۰). **بحران‌ها و توألی‌ها در توسعه سیاسی**، ترجمه: غلامرضا خواجه‌سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پشت‌دار، علی محمد (بی‌تا). **لرها و لرستان از دیدگاه ولادیمیر مینورسکی، مجله ایران شناخت**، صص ۱۸۴-۱۶۰.
- پور عبدالله، حبیب‌الله (۱۳۸۹). **حکمت‌های پنهان در معماری ایران**، تهران: انتشارات شادرننگ.
- چلی، مسعود (۱۳۸۷). **تحلیل اجتماعی در فضای کنش**، تهران: نشر نی.
- حسنوند، حمید و طهماسبی، فرهاد (۱۳۹۰). **شناسنامه اجتماعی فرهنگی استان لرستان**، دفتر امور اجتماعی استانداری لرستان، خرم‌آباد: شاپور خواست.
- خانیکی، هادی (۱۳۹۲). **جهانی شدن و ارتباطات؛ زمینه‌ها و چشم‌اندازهای نظری، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن**، سال چهارم، شماره دهم، زمستان ۹۲، (پیاپی ۱۳)، صص ۳۴-۷.
- سرفراز، علی اکبر (۱۳۸۷). **بهمین فیروزمندی، باستان شناسی و هنر دوران تاریخی (ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی)**، تهران: انتشارات مارلیک.
- صالحی امیری، رضا (۱۳۸۵). **مدیریت منازعات قومی در ایران**، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک.
- صیادی، ابوالقاسم (۱۳۸۴). **انقلاب اسلامی و چالش‌های جهانی شدن فرهنگ**، تهران: نشر نیکان کتاب.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۶). **جهانی شدن فرهنگ، هویت**، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۵). **مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی**، تهران: تمدن ایرانی.
- منصور، جهانگیر (۱۳۹۱). **قانون اساسی جمهوری اسلامی**

ایران، چاپ یکصدویکم، تهران: نشر دوران.  
 -ویلیامز، کوین (۱۳۸۶). **درک تئوری رسانه**، ترجمه رحیم قاسمیان، چاپ اول، تهران: نشر ساقی.  
 -Mc Grew, T. (1996) "A Global Society " in S.Hal I, D.Helld and T.Mc Grow(eds) ,  
 Modernity and its Futures , Cambrid : polity